نقوض مرحوم نوری به محل ابتلا بودن تعدد قرائات؛ مستمسکی بر علیه خودشان

این خیلی جالب است. واقعاً موضع گیری علمی در استنتاج ها عجیب است. مرحوم نوری این محدث بزرگ در فصل الخطاب کی بابی باز کردهاند که دقیقاً استدلالی علیه حرف خودشان است. اما ایشان همه اینها را برای له حرف خودشان میآورند. چه میگویند؟ میگویند اینکه شیعه قرائات را دارند، چیزهایی بوده که بر آنها مواظبت میکردند. محل ابتلا بوده، نماز بوده، قرآن بوده، اینکه محل ابتلا است روشن میشد و در آنها اختلاف نمیشد. شما میگویید در قرآنی که محل ابتلا بود یکی از آنها درست است اما بقیه اش نه. این را بهعنوان دخل و ایراد بر حرف خودشان ذکر میکنند و میخواهند جواب نقضی بدهند. میگویند چند جواب نقضی دارد و چند جواب حلی دارد.

چه جواب نقضهایی میدهند؟ میگویند من تعداد بسیار زیادی از شواهد میگویم که محل ابتلای شبانهروزی مسلمانان بوده. محل ابتلای شبانهروزی آن هاست و اختلاف کردهاند. پس دیگر به رخ ما نکشید که چون اینها محل ابتلا است نمیشود که در آنها اختلاف شود.

حال فصل الخطاب را نگاه کنید. چند صفحه است. یکی از آنها وضو است. میگویند مگر پیامبر مرتب در مرئی و مسمع مسلمانان وضو نمیگرفتند؟ بااینحال اینها پا را مسح میکنند و آنها پا را میشویند. صرف اینکه محل ابتلا است باید در آنها اختلاف نشود. چه کسی گفته؟! این محل ابتلائی است که در آن اختلاف شده. الآن فصل الخطاب نزد من نیست. چند روز هم آوردم که بخوانم. خیلی جالب است. و حال آنکه اگر شما کتاب ایشان را نگاه کنید تمام مواردیکه مثال میزنند که محل ابتلا بوده و درعینحال اختلاف شده، نظر شیعه کاملاً مسلم معلوم است. یعنی این جور نبوده که اختلاف شود و شیعه بگوید حال دیگر تا آخر کار ما چیزی نمیگوییم. شیعه یک زمانی تقیه کرده، اما بعد از اینکه فضای تقیه در شد «حی علی خیر العمل» آن معلوم شد. اذانش معلوم شد، مسح پایش معلوم شد، جهر به بسم الله آن معلوم شد، بسم الله را نخواندن نماز باطل است معلوم شد، قنوت معلوم شد. همه اینها را ایشان میآورند. همه چیز معلوم شده و شعار شیعه شده. این در حرف خودشان است. خب چرا در اینجا معلوم نشد؟! تا اینکه شما یک چیزی بگویید که تنها ایراد به سنی ها نیست، به شیعیان هم هست. میگویند ای وای از این امت که یک حمد صاف و ساده از خودشان به جا نگذاشته اند. الآن مسلمانان نمیدانند که ملک وحی «مالک» آورده ای «ملک». خب شیعه هم که نمیداند. روی مبنای شما، شما هم میگویید ما نمیدانیم. پس ایرادی که میآورید «ضیعوا القرآن»، الآن مسلمانان جاهل هستند و نمیدانند که کلام خدا چه بوده، ایراد به کل امت است. اینها از عجائب حرفهای ایشان است.

و حال آن‌که وقتی مبانء عوض می‌شود و این مطالب باز می‌شود می‌بینیم جای «بسم الله» بوده لذا فرموده‌اند، هر کجا جای تقیه بوده بعدش نگذاشتند این تقیه بماند. شیعه بین خودشان تذکر داده‌اند که اینجا تقیه بوده. ان الرشد فی خلافهم. اما در مسأله قرائات جوّزوا القرائه.

شاگرد: اجمعوا... .

استاد: اجمعوا به‌عنوان اخبار از یک سیره عملی آمده.

جلو برویم. می‌گویند سنی ها روایت سبعة احرف را دارند. شروع می‌کنند وجوه آن را می‌گویند. بعد از این‌که وجوه اهلسنت و وجه آخر که مفصل بوده و ذهن همه را پرت کرده، می‌گویند، می‌گویند «املح» ای «اصلح» این وجه است. طبق نسخه مجمع «املح» و طبق نسخه تبیان «اصلح». مرحوم آشیخ بزرگ و محقق کتاب خیلی ناله دارند از این‌که تصحیح نسخه‌های تبیان سخت بوده. الآن هم نرسیدیم عبارت را بخوانیم. چیزهایی را در کروشه گذاشته‌اند که به ذهن قاصر من طلبه درست نیست. یعنی این نسبتها بی خود داده شده. مثلاً یک قول را به طبری نسبت داده‌اند که شیخ اجل از این است که این را به طبری نسبت بدهند. اصلاً این برای طبری نیست. قول ابوعبید را می‌آورند، قول طبری را می‌آورند، چیزی در کروشه داریم که زائد است. باید آن را تصحیح بکنیم.

بازبینی #2
ایجاد شده 16 آوریل 2024 12:55:32 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 مه 2024 12:05:18 توسط ... .